

آینده پژوهی و آینده کلان شهرها با تاکید بر کلانشهر تهران

لیلا حبیبی

دانشجوی دکتری در رشته جغرافیا و برنامه ریزی شهری دانشگاه تهران و مدرس دانشگاه آزاد اسلامی واحد نور

مریم جعفری مهرآبادی

دانشجوی دکتری در رشته جغرافیا و برنامه ریزی شهری دانشگاه تهران

تاریخ پذیرش: ۱۳۸۹/۹/۱۳

تاریخ دریافت: ۱۳۸۹/۷/۹

چکیده

با توجه به اهمیت زندگی شهری و در راستای آن ظهور کلان شهرها به عنوان سیستمهایی پیچیده، آینده پژوهی نقش به سزایی در سرنوشت آنها خواهد داشت. از این رو این مقاله سعی دارد تا با ارائه تعاریفی از مفهوم آینده پژوهی، به ارتباط آن با موضوع کلان شهرها بپردازد. در این راستا از روش توصیفی-تحلیلی برای تبیین موضوع استفاده شده است. نتایج بررسی، اهمیت قابل توجه مسئله آینده پژوهی برای کلان شهرها را مشهود ساخته است. در نهایت با توجه به عدم تجربه این موضوع در کشور ما، استفاده از تجارب کشورهای دیگر که در این زمینه پیشرو هستند ناگزیر می باشد.

واژگان کلیدی: آینده پژوهی، آینده اندیشی، آینده نگری، آینده شناسی، آینده نگاری، کلان شهر.

مقدمه

دو رخداد شهری شدن جهان و ظهور شهرهای جهانی از آثار و تبعات زندگی در دهه های اخیر است. امروز نیمی از جمعیت شش میلیاردی جهان ساکن شهرها هستند. اکثریت جهان و زمین رفته رفته به شهر تبدیل می شوند. در سال ۱۸۰۰ میلادی تنها سه درصد جمعیت جهان در شهرها می زیستند. در سال ۱۹۵۰ این میزان به ۲۹ درصد رسید و در سال ۲۰۰۰ این میزان به پنجاه درصد رسیده است. این در حالی است که سازمان ملل متحد ۸۰ درصد رشد دهه آینده را مربوط به شهرها می داند نه روستاها. مسلمه آنچه در خصوص توسعه و گسترش شهر و شهرنشینی اتفاق افتاده در طول تاریخ بشری بی سابقه بوده است (-، ۱۳۸۷: ۱۹). به این ترتیب روند شتابان افزایش جمعیت شهری و شهرنشینی و ظهور کلان شهرها، جوامع بشری بخصوص کشورهای توسعه نیافته را در شرایط نامتعادل و ناموزونی قرار داده است. این شرایط نامتعادل و ناموزون شامل انواع مخاطراتی است که جوامع مذکور با آن دست به گریبان هستند. رویارویی با انواع مخاطرات طبیعی و انسانی به صورت عنصر ذاتی زندگی مدرن در آمده است چراکه دیگر مخاطرات تنها به مخاطرات طبیعی بر نمی گردد بلکه عمدتاً شامل مخاطراتی است که انسان خود مسبب آن شده است. به عبارت دیگر آنچه مدرنیته متاخر را از پیش از آن متمایز می سازد، جدا شدن دو مفهوم مخاطره بیرونی (external risk) از مخاطره تولید شده (manufactured risk) است. مخاطره تولید شده را می توان دخالت بشر در تاریخ و طبیعت از طریق دانش و فناوری تعریف کرد. امروزه بشر تنها با مخاطره های بیرونی (اینکه طبیعت با ما چه خواهد کرد) مواجه نیست بلکه نگران عدم قطعیت ها و مخاطره هایی است که خود به وجود آورده است. آنچه این روزها پایان طبیعت نام گرفته است، به معنای نابودی جهان طبیعت یا روند های فیزیکی نیست بلکه به این معنا است که چیزهای بسیار کمی در جهان خارجی مانده است که تحت تاثیر فناوری بشر قرار نگیرد. مخاطره تولید شده تنها به جهان طبیعت محدود نمی شود بلکه در جهان اجتماعی نیز در حال پیشروی می باشد (علوی تبار، ۱۳۸۳: ۱۰۶). با نگاه از این زاویه می توان ضرورت توجه به آینده اندیشی و برنامه ریزی آینده کلان شهرها را به وضوح دریافت. چراکه امروزه کلان شهرها به عنوان نماد دخل و تصرف محیط توسط بشر با استفاده از تکنولوژی و فناوری و هرابزار دیگری که این دخل و تصرف را امکان پذیر سازد، خودنمایی می کنند.

تعریف و تاریخچه

آینده اندیشی یا مطالعات آینده که از آن در زبان فارسی با عناوین دیگری نظیر آینده نگری، آینده پژوهی، آینده شناسی و نظایر آن نیز یاد می شود، یک حوزه پژوهشی نسبتاً نوپدید است که قلمرو آن همه عرصه های معرفت نظری و تکاپوهای عملی آدمی را در می نوردد و نتایج حاصله از آن می تواند تاثیرات گسترده ای در هر یک از این عرصه ها داشته باشد (پایا، ۱۳۸۲: ۹). به اعتقاد کاتس، آینده نگری فرایند کلی شناخت و ارزیابی از اطلاعات حاصل از نگریستن به جلو است (Coates, 1985:30).

یک تعریف از آینده نگری عبارت است از: فرایندی از تلاش منظم و حساب شده برای نگریستن به آینده بلند مدت در زمینه علم، فناوری، اقتصاد و جامعه با هدف شناسایی حوزه های پژوهش راهبردی و پیدایش فناوری های فراگیر که احتمالاً متضمن منافع اقتصادی و اجتماعی گسترده ای می باشد (Martin, 1995:139-168).

در کتاب مشهور اروین و مارتین تحت عنوان انتخاب برندگان آمده است که آینده نگری تنها به آینده نگاه ندارد بلکه تصمیمات نخستین مربوط به آینده را هم شامل می شود. به عبارتی آینده نگری صرفاً برای انتخاب برندگان نیست بلکه به طور راهبردی برای انتخاب بازندگان نیز به کار می رود (Irvin and Martin, 1984:180).

لازم به ذکر است که آینده نگری از پیش بینی متمایز می باشد. در اروپا حداقل ۲۰ سال طول کشید تا پیش بینی مجدداً اعتبار خود را با عنوان جدید آینده نگری نزد تصمیم گیران بخش دولتی به دست آورد. البته فقط تغییر واژه نیست زیرا در اصل اگرچه آینده نگری و پیش بینی به صورت معادل هم به کار می رفتند اما در عین حال تفاوتی واقعی در درک پیش بینی در مقایسه با آینده نگری وجود دارد (مهندسین مشاور ماب، ۱۳۸۳:۳۳). آینده نگری تلاشی نظام مند برای نگاه به آینده بلندمدت در حوزه های دانش، فناوری، اقتصاد، محیط زیست و جامعه است که با هدف شناسایی فناوری های نوظهور و تعیین آن دسته از بخش هایی که سرمایه گذاری در آنها احتمال سوددهی اقتصادی و اجتماعی بیشتری دارد، انجام می شود. در واقع آینده نگری یعنی آمادگی برای آینده و به کاربردن منابع موجود به بهترین وجه ممکن و در راستای ارزش ها. از لحاظ تاریخچه باید گفت: اولین تلاش های سنتی مطالعه آینده از سال ۱۹۴۸ در شرکت رند آغاز شد. پیشگامان این مطالعات کاپلان، هلمر، رشد، دالکی و گوردن بودند. این مطالعات بر مبنای پیش بینی بود که سعی در شناخت وقایع احتمالی جنگ را داشت و بعداً در مسائل غیر نظامی و اقتصادی نیز به کار

رفت. به مرور این تفکر پدید آمد که پیش بینی آینده به طور کامل غیر ممکن است اما هر اطلاعاتی در باره آینده برای تصمیم گیری می تواند مفید باشد. از این رو از دهه ۸۰ به بعد مفهوم آینده نگری در سیاست گذاری جای گرفت و چندین دهه است که در سازمانهای دولتی و خصوصی برنامه های آینده نگاری در مقیاس های بخشی، منطقه ای و ملی در حوزه های مختلف علم، فناوری، فرهنگ، محیط زیست و.... انجام می شود (بنیاد توسعه فردا، ۱۳۸۴: ۲۳).

روش شناسی آینده نگاری

مهمترین دلیل استفاده از روش های آینده نگاری این است که مشخص کنیم چه چیزهایی برای یک تصمیم گیری صحیح لازم است، اما در حال حاضر این اطلاعات در دست نیست. به کمک این اطلاعات می توان فرض ها را مشخص کرد تا امتحان شوند و در صورت لزوم تغییر یابند.

روش های آینده نگاری را می توان بنا به هدفی که از آنها استفاده می شود، به دو دسته تقسیم کرد:

۱- روش های ارزشی که مبنای آن ارزش ها و هنجارها است. بنابراین در این نوع پیش بینی این سوال مطرح است که چه آینده ای را می خواهیم و یا اینکه چه چیزی برای ما مطلوب است؟ روش های ارزشی بیشتر ماموریت گرا هستند و با ارزیابی مقاصد، نیازها و تمایلات آینده شروع می شوند و به زمان حال باز می گردند.

۲- روش های اکتشافی: در اینجا صرف نظر از اینکه چه چیز مورد علاقه ماست، مشخص می کنیم که چه چیزی ممکن است اتفاق بیفتد. پیش بینی اکتشافی از پایه مطمئن معرفتی امروز آغاز می شود و به سوی یک آینده مشخص جهت می یابد. تفاوت عمده این دو دسته در این است روش های اکتشافی آینده را بر مبنای گذشته و حال می سازند ولی روشهای ارزشی، آینده مطلوب و ممکن را مشخص می کنند تا بتوان بر مبنای آن برای زمان حال برنامه ریزی کرد.

روش های آینده نگاری برمبنای تکنیک به کار رفته در آنها عبارت است از:

۳- کمی یا عددی (سری های زمانی، مدل های تصمیم گیری، شبیه سازی و سیستم های دینامیکی)

اولین تلاش ها برای اطلاع از آینده با به کارگیری ریاضیات و آمار شروع شد. در این روش ها، تکنیک های عددی قوی ای توسعه یافتند برای مثال می توان از سری های زمانی، مدل های تصمیم گیری، شبیه

سازی و سیستم های دینامیکی نام برد. در همه این روش ها که روش های عددی نامیده می شوند رفتار یک متغیر (variable) یا یک دستگانه چند متغیره در یک محدوده زمانی بررسی می شود. در استفاده از آنها فرض بر این است که آینده در امتداد گذشته قرار گرفته است و در صورتی که قوانین مستتر در اطلاعات مربوط به آن روند (از گذشته به حال و آینده) را بفهمیم می توان آینده را پیش بینی کرد. این روش نسبتا ارزان است ولی با فرض اینکه آینده ادامه گذشته است بی دقتی در پیش بینی وارد می شود چرا که در جهانی زندگی می کنیم که با سرعت زیادی در حال تغییر است و بسیاری از این تغییرات به اندازه ای قوی و جدی هستند که می توان آنها از نظر کمی و عددی به عنوان یک نقطه عطف جامعه در نظر گرفت. محدودیت دیگری که این روش ها دارند این است که به اطلاعات آماری یک شاخص در گذشته احتیاج است و خیلی وقت ها دست یابی به چنین اطلاعاتی به راحتی ممکن نیست.

شبه عددی یا قضاوتی (تحلیل تاثیر متقابل و درخت وابستگی، نظریه بازیها، سناریو و تحلیل روند) حد وسط روش های کیفی و روش های کمی هستند. در بیشتر روش ها نیاز است که قضاوت های ذهنی از طریق یک سری قوانین یا تعاریف کمی شود. همچنین برخی از روش ها از برآوردهای احتمالی ذهنی استفاده می کنند.

۱- کیفی

با توجه به مسائل فوق، تلاش هایی برای خلق روش هایی که بر این فرض استوار نباشند که آینده در امتداد گذشته است و بتوان با استفاده از آنها و با تقریب قابل قبولی آینده را پیش بینی کرد، به وجود آمد. در دهه ۶۰، شرکت رند روشی را توسعه داد که می توانست دورنمایی از سناریوی آینده را بیان کند. این روش که دلفی نام گرفت، آغازی بود بر خلق روش های غیر عددی یا کیفی. پایه این روش و نیز سایر روشهای کیفی بر این استوار است که به نظر یک فرد خبره یا کارشناس بیش از هر فرد دیگری می توان اعتماد کرد. کارشناسان بر مبنای شواهد یا انتظارات خود از آینده (که از اطلاعات شخصی یا آشنایی قبلی آنها با موضوع مورد نظر به دست آمده است) نظر خود را بیان می کنند. از روش های این دسته می توان از دلفی، تحلیل دنباله ای فناوری ها، ذهن انگیزی و تحلیل ریخت شناسی نام برد (بنیاد توسعه فردا، ۱۳۸۴: ۳۴)

تجزیه و تحلیل

اصل غیر قابل پیش بینی بودن آینده بدین معنا نیست که نگران آینده نباشیم و تنها به بخت و اقبال یا سرنوشت تکیه کنیم یا اینکه بنشینیم تا هر وقت بحرانهای ناگهانی تازه ای سر برآورد، بدون طرح و برنامه قبلی خود را به امواج بحرانها بسپاریم. بلکه این اصل حکم می کند که نسبت به آینده موضع مناسبتری اتخاذ نمائیم.

موضع مناسبتر چیست؟

آینده از در هم کنش چهار مولفه زیر پدید می آید: رویدادها، روندها، تصویرها، اقدامها.

- رویدادها

همان وقایعی هستند که مردم را نسبت به کفایت و کارائی تفکر درباره آینده به تردید می اندازند. وقایعی که رویدادشان محتمل به نظر می رسد. آنچه که قرار است بعد روی دهد کاملاً ناشناخته می نماید. با اتکا به رویدادها ممکن است اینگونه تصمیم گرفته شود که بدون طرح و برنامه قبلی به پیش رویم و امور را بیشتر به بخت و اقبال واگذاریم.

- روندها و مسائل نوظهور

از طرف دیگر بعضی از طراحان توصیه می کنند که روندها را مورد توجه قرار دهیم تا بتوانیم آینده را پیش بینی کرده و برای آن آماده شویم. ۳ نوع روند در این زمینه قابل تشخیص است:

۱- روندهایی که استمرار حال و گذشته است: برای فهم اینها باید آنچه را که در شرف وقوع است و آنچه را که بیشتر روی داده به درستی بشناسیم. بخشی از این شناخت با تامل در تجربه های شخصی و بخشی دیگر با درک آموزه های علوم طبیعی و اجتماعی به دست می آید. آداب و رسوم و آموزه های مذهبی، فلسفی و یا تاریخی نیز ممکن است بخشی از این شناخت را فراهم آورند.

۲- روندهای کم و بیش ادواری که این روندها در گستره تجارب شخصی قرار نمی گیرد اما بخشی از ابعاد گذشته های دورتر است. در این عرصه تکیه بر موفقیتها یا شکستهای شخصی برای پیش بینی آینده

می تواند گمراه کننده باشد زیرا هیچ گاه شخصا آن طور که در آینده (هنگام مواجهه با این روندها) تجربه خواهیم کرد و یا چنانچه دیگران پیش از ما آزموده اند، آنها را در حال حاضر تجربه و لمس نمی کنیم. اما شاید در اسناد و مدارک تاریخی، فلسفی یا مذهبی و یا در آداب و رسوم مردم، ثبت و ضبط شده. به طور غیر مستقیم در دسترس ما قرار گیرند. شاید هم کشف و شناخت پاره ای از این روند ها مستلزم بهره گیری از فنون ریاضی باشد. با این وجود چون ما تاثیر این روند ها را شخصا نیازموده ایم، در درک کامل این مساله که چه انتظاراتی از آنها داشته باشیم، مشکلات فراوانی خواهیم داشت.

۳- اما آینده ممکن است آستن اموری باشد که کاملا نو بوده و پیش از آن هرگز به تجربه بشری در نیامده است. چنین روند هایی را بهتر است "مسائل نوظهور" بنامیم. گرچه احتمال بروز آنها در آینده وجود دارد اما در حال حاضر به سختی قابل مشاهده اند و در گذشته هم موجود نبوده اند. بسیاری از آینده پژوهان استدلال می کنند که مهمترین روند های آینده همین مسائل نوظهور است که به طور عمده پیامد مستقیم یا غیر مستقیم فن آوریهای جدید می باشد. با اتکای به این فناوریها، بشر می تواند دست به کارهایی بزند که قبلا نمی توانسته و در عین حال محیط زندگی انسان را نیز تغییر داده اند. روشهای شناسایی مسائل نوظهور کاملا با روشهای سنجش و پیش بینی روندهای یادشده بالا تفاوت دارد.

با توجه به اینکه در حال حاضر تجارب شخصی ما و کانون توجه نظامهای آموزشی متداول به شدت و تنها بر مدار روندهای نوع اول و دوم می چرخد، برای درک و شناخت سی سال آینده و پس از آن، مهمترین نوع روند ها (روند های نوع سوم یا مسائل نوظهور) بیشتر مردم با مشکل جدی روبرو خواهند بود. همان طور که سهیل عنایت الله آینده شناس پاکستانی می گوید: "آنچه باعث جذابیت آینده می شود، آن است که هیچکس آن را به خاطر نمی آورد".

-اقدامها و تصویرها

سومین و چهارمین عامل عمده ای که آینده را شکل می دهد، تصویرهایی است که مردم از آینده از ذهن خود می پرورانند و اقدامهایی است که بر مبنای آنها انجام می دهند. بعضی از این اقدامها به قصد تاثیرگذاری بر آینده صورت می گیرد اما بعضی دیگر نه. ولی تمامی آنها بر آینده تاثیر می گذارند.

بنابراین یکی از ماموریت‌های آینده پژوهی این است که به مردم کمک کند تصویرهای خویش را از آینده (ایده‌ها، دغدغه‌ها، امیدها، باورها، و علایقشان را نسبت به آینده) محک زده و شفاف نمایند تا کیفیت تصمیم‌هایی که برای آینده می‌گیرند، بهبود یابد.

دیگر اینکه آینده پژوهی در صدد کمک به مردم است تا تصویرها و اقدامهای کنونی خود را از حد کوششهای فقط منفعلانه فراتر برده، بکوشند تا آینده را پیش بینی کرده و سپس بر پایه پیش بینی‌های درست تر طرحهای عملی خود را اجرا کرده و به پیش ببرند. این فقط گام اول آینده نگری است. گام بعدی ایجاد تصویرهای مثبت از آینده (آینده‌های مطلوب و مرجح) و اقدام به طرح ریزی و و تصمیم‌گیری براساس آن تصویرهای مثبت است. (ابراهیمی، ۱۳۷۸: ۱۰۳).

با توجه به مطالب ذکر شده می‌توان دریافت که کلان شهرها به دلیل مشکلات دنیای دنیای امروز ناگزیر از برنامه‌های آینده پژوهی می‌باشند.

معمولا کلان شهرها را با صفت پیچیدگی روابط و ساختارها معرفی می‌کنند، به نظر گوتمن کلان شهر مدرن بزرگ‌ترین و در عین حال پیچیده‌ترین مصنوعی است که بشر تاکنون موفق به ساخت آن شده است (داوودپور، ۱۳۸۳: ۶۰). شهر به عنوان نماد کوچکی از کل هستی است که انواع روابط و تعاملات را می‌توان در آن مشاهده کرد به طوری که با یک پدیده یا سیستم فوق العاده پیچیده ای روبرو هستیم. به عنوان مثال تهران به صورت سیستمی پیچیده و تو در تو در آمده است که در معرض تحولات زیادی قرار گرفته است. امروزه دیگر تهران یک کانون کالبدی - اجتماعی یکپارچه و همگون نیست بلکه مجموعه ای از کانونهای پراکنده و ناهمگون است که در شبکه پیچیده ای از روابط اقتصادی - اجتماعی و کالبدی - فضایی به هم گره خورده اند (مهدی زاده، ۱۳۷۶: ۸۷).

طی دهه ۱۹۶۰ و اوایل ۱۹۷۰ یاس و دلزدگی ناشی از تداوم توسعه نیافتگی و مشکلات شهرنشینی شتابان در میان کشورهای جنوب رواج یافت. با رشد کلا نشهرها در جنوب تنش‌های سیاسی - اجتماعی و اکولوژیکی حادی در اغلب آنها بروز کرده است که فقر و بیکاری، نارسائی در خدمات رسانی، ناهنجاری اجتماعی، کمبود مسکن و تهدید محیط زیست از شاخص‌ترین معضلات کلان شهرها بوده است. لذا این احساس نارضایتی امروز از روند رشد و توسعه جهانی و به موازات آن کلان شهرها سبب می‌شود تا به آینده این محیط‌ها نظر بیشتری داشته و راهبردها و سیاست‌های مفیدی برای ایجاد تعادل میان شهرها و محیط آنه ارائه گردد (صرافی، ۱۳۷۷: ۳۵).

از این رو با وجود چنین سیستم پیچیده ای نمی توان شهرها را به حال خود رها نمود که خودشان از طریق برابند عوامل مختلف جغرافیایی، اقلیمی، اقتصادی، سیاسی، نظامی، مذهبی، اجتماعی، فرهنگی، تکنولوژی و... شکل گیرند و به حیاتشان ادامه دهند. در نتیجه برخورد با این سیستم نیاز به رویکرد نوین و هوشمندانه ای خواهد داشت.

به دلیل پیچیده بودن این سیستم نیاز به یک ابزار کارآمد برای تحلیل از شرایط و به تبع آن برنامه ریزی برای آن کاملاً احساس می شود. به طوری که اگر این ابزار کارآمد وجود نداشته باشد، خروجی حاصل از استفاده از آن ابزار نه تنها کمکی نخواهد نمود بلکه ممکن است تبعات نامطلوبی را به دنبال داشته باشد.

برای مدیران شهری در امر آینده اندیشی با یک رهیافت مسئله محور روش آینده اندیشی مشخص می شود. برای تشخیص و تحلیل مسئله و تعیین روش و موقعیت، یک متدولوژی تحت عنوان "منطق موقعیت" پیشنهاد می شود. این روش یک ابزار تحلیلی قدرتمند برای تشخیص و تحلیل مسئله در موقعیتهای مورد نظر می باشد. (منظور از موقعیت یعنی هر موقعیتی که کنشگران انسانی در آن نقش دارند و شهر یکی از این موقعیتهای است) (پایا، ۱۳۸۶: ۶). منطق موقعیت یا تحلیل موقعیت متشکل از دو بخش است:

الف: توصیف دقیقی از شرایط محیطی

ب: یک اصل عقلانیت

شرایط محیطی شامل

(۱) محیط فیزیکی

(۲) محیط اجتماعی

(۳) مسئله یا موقعیتی که کنشگر خود را با آن روبرو می یابد و تلاش می کند تا از آن فراتر رود. این مسئله یا موقعیتی که شخص درگیر آن است، معمولاً در قالب نظریه ها و اندیشه ها (نظیر راه حل های مشخص و نیز ارزیابی های او از این راه حلها)، قواعد و مقررات یا رویه ها و هنجارها مطرح می شوند.

اصل عقلانیت به سادگی بیان می دارد که کنشگران در شرایط مختلف بر مبنای فهم خود از موقعیت به گونه ای عقلانی یا متناسب با اوضاع و احوال عمل می کنند (پایا، ۱۳۸۲: ۲۸۲-۲۸۵).

با توجه به مسائل ذکر شده در مورد آینده اندیشی کلان شهرها، به ذکر توضیحاتی در مورد آینده اندیشی کلان شهر تهران می پردازیم:

قدم اول در این راه انتخاب روش آینده اندیشی است. به نظر میرسد با توجه به شرایط خاص کشور ما روش دلفی به عنوان عاقلانه ترین روش بیشترین کمک را خواهد نمود و مجمع متخصصان سبب می شود تا نتایج مورد ارزیابی بیشتری قرار گیرد. با توجه به اینکه در موضوع آینده اندیشی آینده های ممکن در واقع سلسله فرضیهایی درباره موضوعات مورد نظر ما می باشند و این فرضها نیز به صورت ادامه روند کنونی یا پیدایش روند جدید و غیره بیان میشود در نتیجه در گرو اما و اگر های زیادی خواهد بود.

بنابراین اگر احتمال وقوع فرضها را از کارشناسان بپرسیم، می توانیم از این اما و اگرها یا نا ایمنی ها بکاهیم. درباره رویدادهای آینده غالباً تنها سرچشمه آگاهی، داوری افراد است زیرا برای آینده آمار وجود ندارد. از این رو روشهای کارشناسی برای کاستن نا ایمنی ها بسیار مغتنم خواهد بود. از میان روشهای کارشناسی، روش دلفی شناخته ترین روش می باشد. فرض اساسی در کاربرد این روش این می باشد که نظر گروهی از کارشناسان، "درست تر" از نظر کارشناس منفرد است (توفیق ۱۳۸۲: ۶۷).

بدین ترتیب با روش تحلیل موقعیت و مشخص شدن موقعیت مورد نظر در شهر به تحلیل مسئله مورد نظر و تحلیل مسئله از بعد محیط فیزیکی، اجتماعی و موقعیت آن با استفاده از روش دلفی به تعریف سناریو برای کلان شهری مثل تهران منجر خواهد شد.

محصول آینده اندیشی موقعیت کلان شهر تهران را در ۴ سناریو خواهد گنجانند:

- ۱- بدترین شرایط ممکن
- ۲- وضع و حال ایده ال
- ۳- متکی بر تداوم شرایط کنونی
- ۴- موقعیت بهینه و دسترس پذیر (به نحو کاملاً واقع بینانه) (پایا، ۱۳۸۶: ۸).

به نظر میرسد با توجه به وضعیت کنونی تهران باید به نحو کاملاً واقع بینانه ای به پیش رفت. چراکه سناریوی اول که در واقع شرایط تسلیم در برابر شرایط را تداعی می سازد ارتباطی با آینده اندیشی ندارد (اگر قرار به تسلیم در برابر شرایط باشد نیازی با آینده اندیشی نخواهد بود). سناریوی دوم نیز با توجه شرایط موجود تهران (خارج از حالت ایده آل) متنی می باشد. اتکا به سناریوی سوم نیز وضعیت این کلانشهر آشوبزده را در وضعیت حادثتری قرار خواهد داد. چراکه همه طرحها و برنامه هایی که فرض را بر استمرار وضع موجود می گذارند، به ناکامی های بسیار وسیعی در طرح ریزی و سیاستگذاری می انجامد

و موجبات بی اعتباری تمامی کوششها در زمینه طرح ریزی و پیش بینی را فراهم می آورد. به این ترتیب چاره ای جز نگاه واقع بینانه به شرایط موجود و در نظر گرفتن موقعیتهای دسترس پذیر نخواهیم داشت. با استناد به این مسئله باید به سراغ آن دسته از فنون و تصمیم گیری و طرح ریزی رفت که وضعیت موجود را قبول داشته و نسبت به آن واقع بین باشد. از طرف دیگر شهروندان و تصمیم گیران نیز در عین اینکه این حقیقت را پذیرفته اند، به امر آینده اندیشی نیز اعتقاد داشته باشند. (البته نه به گونه ای که خواستار پیش گویی مطلق با قطعیت کامل باشند. چراکه این امر در واقع نوعی تضمین کاذب آینده خواهد بود).

با این اوصاف آنچه میتوان و باید انجام داد این است، که پیش بینی، طرح ریزی و تصمیم گیری را در بافتی از "آینده های بدیل" قرار دهیم.

آینده های بدیل، از نگاه بسیاری، مفهوم محوری آینده پژوهی به شمار می رود. این باور که افراد، گروهها و فرهنگ ها در مسیری از پیش مقدر به سوی آینده ای واحد و یگانه قرار ندارند بلکه آنان با به کارگیری قوای آینده نگری و تصمیم گیری خود، می توانند آینده ای را از میان گستره ی وسیعی از مسیرهای منتج به آینده و پیامد های آن برگزینند. (کرامت زاده، ۱۳۸۵: ۳).

Archive of SID

نتیجه گیری

حقیقت این است که اگر قرار است یک شهر با روشهای آینده اندیشی سامان بگیرد، باید شهری باشد که جنبه ای طبیعی، انسانی، سیاسی و اجتماعی و..... برای کنشگران اصلی رعایت گردد (هر شهر دو کنشگر اصلی دارد الف: شهروند مسئولیت پذیر و توانمند ب: نهاد های عقلی و مستمرا بهبود یابنده). در یک شهر مطلوب حیطه های خصوصی و عمومی از هم تفکیک می شوند. حیطه خصوصی واحد تجدید حیات معنوی و تقویت قوای ذهنی است. حیطه عمومی فضای پر نشاط مدنی و گفتگوی سازنده میان کنشگران است. در هر شهر مطلوب زمینه برای تحقق ظرفیتهای بالقوه و بالفعل مثبت شهروندان به اجرا در می آید، یعنی سرمایه های انسانی و اجتماعی رشد می کند و بالاخره در یک شهر مطلوب، همه مشارکت می کنند به طوری که به صورت محلی (locally) برای ایجاد تمدن (global) تلاش می کنند. یعنی سیستم جدا در نظر گرفته نمی شود و در همان حال که در سطح شهر تلاش می کنند تا فعالیت بهینه ای داشته باشند در سطح عام نیز قدم بر میدارند. از جنبه زیست محیطی، ارتباط هماهنگ با محیط زیست در همه فضاهای شهری ملحوظ است. از همه ظرفیتهای موجود در زیست بوم به شکل بهینه استفاده می شود. همه شیوه های زیست جدید شهری متکی بر الگوهای رشد و توسعه پایدار است. با توجه به مطالب ذکر شده به وضوح می توان دریافت که موضوع آینده نگاری به صورت یک فرایند مد نظر می باشد چراکه در این مقوله از کنشگران انتظار بهبود یابندگی می رود به طوری که قدم به قدم به شرایط مورد نظر و مطلوب به پیش خواهند رفت. به همین دلیل است که آینده اندیشی بعد از مرحله اجرا، وارد مرحله پس آینده نگاری خواهد شد. به طوری که به نحو نقادانه ای تجربه به کار گرفته شده مورد ارزیابی قرار گرفته و برای قدمهای بعدی مورد عبرت قرار خواهد گرفت.. به این ترتیب برنامه های کلان شهرها باید در قالب برنامه های آینده پژوهانه مورد توجه قرار گیرد. چراکه آلودگی محیط زیست، بحران انرژی، کلیه مسائل و مشکلات شهرهای امروز بتدریج تاثیرات جبران ناپذیر خود را نه تنها در شکل فیزیکی جوامع انسانی بلکه در رفتار و هنجارهای عمومی آن نیز خواهد گذاشت. بنابراین باید به بهره برداری علمی از منابع طبیعی و انسانی کشور، ساماندهی نظام اسکان و سلسله مراتب شهری در توسعه شبکه شهری کشور، افزایش ظرفیت های شهری برای جذب سرمایه های اصلی، افزایش ظرفیت کلان شهرها برای جلوگیری از فرار سرمایه های داخلی و جذب سرمایه های خارجی پرداخت. که همه ی این برنامه ها باید در قالب برنامه

های آینده پژوهی مورد توجه قرار گیرد که در این مقاله سعی شده تا با استفاده از روش دلفی به اهمیت این موضوع پرداخته شود. نهایتاً باید گفت که کشور ما در این موضوع در مرحله ابتدایی قرار دارد و با توجه به اینکه ضرورت این مقوله شدیداً احساس می شود، چاره ای جز درس آموزی از تجارب جهانی و بومی کردن آنها و بهبود روند های جاری و ترسیم چشم انداز بهتر برای آینده شهر مان نخواهیم داشت.

Archive of SID

منابع

- ۱- پایا، علی (۱۳۸۶)؛ آینده پژوهی و آینده شهرها؛ نشست علمی آینده پژوهی، مرکز مطالعات و برنامه ریزی راهبردی شهر تهران، کمیته آموزش و نیروی انسانی.
 - ۲- اسلاتر، ریچارد (۱۳۸۵)؛ دانش واژه آینده پژوهی؛ ترجمه عبدالمجید کرامت زاده و دیگران؛ تهران: مرکز سیاست های علمی کشور.
 - ۳- پایا، علی (۱۳۸۴)؛ روش های آینده نگاری تکنولوژی؛ تهران: بنیاد توسعه فردا.
 - ۴- جهانشاهی، محمد حسین (۱۳۸۴)؛ آینده شهرنشینی در ایران؛ مجله جستارهای شهرسازی، شماره ۱۳ و ۱۴.
 - ۵- علوی تبار، علیرضا (۱۳۸۳)؛ مدرنیته متاخر و دو مانع آینده اندیشی؛ مجموعه مقالات دومین کارگاه آینده اندیشی، تهران: موسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه ریزی.
 - ۶- داوودپور، زهره (۱۳۸۳)؛ چگونگی شکل گیری کلان شهر تهران؛ فصلنامه آبادی، شماره ۸ و ۹.
 - ۷- صرافی، مظفر (۱۳۷۷)؛ تمرکز زدایی کلان شهرهای جنوب؛ مجله معماری و شهرسازی؛ شماره ۴۸ و ۴۹.
 - ۸- (۱۳۸۷)؛ کلان شهرها و مشکلات جهانی شدن؛ ماهنامه مهندسی زیرساخت ها، شماره ۴.
 - ۹- پایا، علی (۱۳۸۲)؛ ملاحظاتی شتابزده در باب معرفت شناسی آینده اندیشی؛ مجموعه مقالات و سخنرانی های نخستین کارگاه آینده اندیشی، تهران: مرکز تحقیقات سیاست علمی کشور.
 - ۱۰- توفیق، فیروز (۱۳۸۲)؛ برخی روشهای آینده اندیشی؛ مجموعه مقالات و سخنرانی های نخستین کارگاه آینده اندیشی، تهران: مرکز تحقیقات سیاست علمی کشور.
 - ۱۱- پایا، علی (۱۳۸۲)؛ ابهام زدایی از منطق موقعیت؛ نشریه نامه علوم اجتماعی، شماره ۲۱.
 - ۱۲- دی تور، جیمز (۱۳۷۸)؛ آینده پژوهی به عنوان دانشی کاربردی؛ فصلنامه رهیافت، شماره ۲۰.
 - ۱۳- مهندسین مشاور ماب (۱۳۸۳)؛ از پیش بینی تا آینده نگری؛ مجله جستارهای شهرسازی، شماره ۹.
 - ۱۴- مهدی زاده، جواد (۱۳۷۶)؛ مفهوم و گستره منظومه شهری تهران؛ مجله معماری و شهرسازی، شماره ۶ و ۷.
 - ۱۵- نجیفی مطبعی، منصور و دیگران (۱۳۸۴)؛ فناوریهای نوین در شهرهای آینده؛ مجله جستارهای شهرسازی، شماره ۱۳ و ۱۴.
- 16-Coates JF. 1985. Foresight in federal government policymaking. Futures Research Quarterly summer. 29-53.
- 17-Irvin J. Martin BR. 1984. Foresight in Science. Picking the Winners. Dover. London.
- 18-Martin BR. 1995. Foresight in science and technology. technology Analysis & Strategic management. No2, 139-168.